

« سیاست و آیین دولتداری » از نگاه میر سید علی همدانی

عبدالرحمان محمداف*

و

عبدالرحمان قربان‌اف، استاد تاریخ**

میرسید علی همدانی از زمره‌ی آن متفکرانی می‌باشد که با افکار تازه‌ی خویش در آسمان علم و فرهنگ عصرهای میانه نورپاشی می‌کرد. شناخت میراث علمی این فیلسوف گواهی می‌دهد که او یکی از بزرگترین چهره‌های علم و فرهنگ زمان خود بوده، در تعلیماتش به مسائل گوناگون فلسفی - اخلاقی، سیاست، نظریه - ی معرفت، منطق، دیالکتیک و غیره توجه کرده است؛ خصوصاً در باب سیاست، آیین دولتداری، اصول اداره و روابط بین مردم، اندیشه‌های جالب توجهی دارد که امروز هم ماهیت خود را ازدست نداده‌اند و در آنها کم و کاستی به چشم نمی‌خورد.

*استاد علوم سیاسی

**استاد تاریخ

قابل تذکر است که علی همدانی هم به مثل متفکران دیگر که بیشتر عمرشان در مسافرت سپری می‌شد، مرد غریب بود. او گاه از روی اختیار و گاه از روی اجبار، یعنی ناآرامی اوضاع مملکت، بارها به کشورهای گوناگون سفر کرده است. ضمن سفرهایش به ممالک مکه و مدینه، هند و پاکستان، مصر و آسیای صغیر، آسیای میانه و کشورهای عالم، او با افراد گوناگون از جهت علم و فرهنگ، دین و مذهب، رسم و آیین گوناگون دیدار داشته، از صحبت عالمان بزرگ معاصر خود فیض بسیار برده بود.

توسط این سفرها و ضمن صحبت و ملاقات‌ها، دانش و افکار فیلسوف به مراتب می‌افزود و تکامل می‌یافت. چنانچه در این خصوص خود متفکر در «اوراد فتحیه» نوشته است: «سه بار از مشرق به مغرب سفر کردم، بسی عجیب دهر و ده دیده شد و هر باری به ولایتی رسیدم، رسم و عادت اهل آن موقع [منطقه] طریق دیگر دیدم... ۱۴۰۰ اولیای کامل را دریافتم و از هر یکی نسبتی برگرفتم و از آن جمله، ۴۰۰ اولیا را در یک مجلس دریافتم و هر اسمی از اسم‌های «الله» که گشایش و فتح طریقت ایشان از آن شده بود، به این ضعیف عطا فرموده‌اند و از آن برکات بسیار و بهره‌ی بی‌شمار برگرفتم». (۱)

و نتایج این سفرها، صحبت و مکالمه‌ها با علما، شناسایی با اشکال مختلف سلطنت و دولت‌داری کشورهای گوناگون عالم را خلاصه نموده، فیلسوف بزرگ توانسته است که در باب سیاست و آیین دولت‌داری فکر و اندیشه‌های عالی و بسی پُر‌قیمت را پیشنهاد نماید.

باید گفت که عقیده‌های اجتماعی و سیاسی علی همدانی جهت‌های خاص خود را دارند. او همچون داننده‌ی بزرگ فلسفه‌ی اسلام عقاید خود را در باب سیاست محض در پیوستگی به تعلیمات اسلام و پیروی از اصول حکومت‌داری علمای رسمی دین و دیگر سیاستمداران مسلمان سازمان داده است. به بیان دیگر، عقاید اجتماعی و سیاسی علی همدانی جنبه‌ی دینی و اخلاقی دارند، یعنی او حلّ همه گونه مسائل سیاسی را از موضع دین و اخلاق بررسی می‌نماید.

فقط در همین زمینه و خواسته‌های مذکور فیلسوف بزرگ از پادشاهان و حاکمان سطوح گوناگون اجرای آن شرط‌هایی را طلب می‌کند که در رشته‌ی سیاست و سلطنت ضروری اند و بدون رعایت آنها پادشاه از حقوق حکمرانی به رعیت محروم است و گرفتار عذاب آخرت خواهد گشت.

شرط اوّل آن است که پادشاه هنگام رخ دادن حادثه و حلّ آن همیشه از موضع عدل و انصاف دخالت کند. برای این منظور پادشاه خود را در جای رعیت و رعیت را در جای خود تصوّر کند و آنگاه هر حکمی کند، از روی عدالت خواهد بود. «و در آن حال هر حکم که از دیگری برخود روا نمی‌دارد، مثل آن از خود بر دیگری روا ندارد و هر چه بر خود نمی‌پسندد، بر هیچ مسلمان نپسندد» (۲). باید تذکر داد که میان سید علی همدانی و فیلسوف چین قدیم، کنفوسیوس [در این نظر] موافقت به عمل آمده است؛ چنانکه هنگام صحبت شاگردی از کنفوسیوس سؤال می‌کند، که عدالت چیست؟ حکیم چین پاسخ می‌دهد که: «هر چه بر خود نمی‌پسندی بر دیگران هم مپسند» (۳).

از نگاه متفکر میر سید علی، یاری رساندن به مردم و نیاز مسلمانان را برآوردن برای حاکم از طاعت افضل است؛ زیرا که «شاد کردن دل مؤمن برابر است با طاعت همه‌ی پریان و آدمیان». (۴) این شرط دوّم فیلسوف می‌باشد که اجرا نمودن آن را ضروری می‌شمارد و تأکید می‌کند که هر پادشاه مسلمان تا دمی که حاجت شخص محتاج را کفالت نکند، نباید که به عبادت مشغول شود. غیر از این او به پادشاهان توصیه می‌کرد که حتّی در خوردن و پوشیدن از خلفای راشدین پیروی کنند و به استفاده از طعام‌های لذیذ و پوشیدن لباس‌های زیبا عادت نکنند؛ زیرا چیزهای نامبرده و عموماً همه گونه شکوه و شہامت باعث دورشدن از رعایا و ظهور بی‌عدالتی‌ها می‌گردد.

سید علی همدانی به آداب سخن و با تحمّل و اندیشه بودن پادشاهان توجّه داده، تأکید می‌کند که حاکم باید: «در حکم سخن به مدارا گوید و بی‌مورد درشتی نکند و از شنیدن دلیل بسیار ملول نشود. و از سخن گفتن با ضعیفان و مسکینان ننگ ندارد». .

حاکم نباید که به دو رویگی و فریب‌گری و سست‌کاری و سهل‌انگاری مساعدت کند و از برای خشنود ساختن کسی نباید کس دیگری را آزار دهد. زیرا که طبیعت حکومت‌داری چنین آفریده شده است که «پیوسته نیمه‌ی خلق از حاکم خشنود باشد؛ زیرا با [اجرای] حق دو خصم [دوطرف مجادله] را نمی‌توان خشنود کرد» (۵) و پادشاه عادل نیز نمی‌تواند رضایت تمام مردم را حاصل کند.

شرط دیگر آن باشد که هر آن چه در کشور صورت می‌گیرد حاکم باید واقف باشد و از خوف و خطر حکومت غافل نباشد. زیرا به گفته‌ی فیلسوف [میر

سیدعلی] دولت‌داری و منصب واسطه‌ای هستند که انسان هم می‌تواند از طریق آن سعادت و نیک‌نامی به دست بیاورد و هم برعکس می‌تواند گرفتار مصیبت و بدنامی ابدی گردد. (۶)

میر سید علی همدانی، آن علامه‌ی مشرق‌زمین که در ششصد سال قبل از این زندگی و فعالیت کرده است، به گروه معرفت‌بیزار مراجعت کرده، آنها را به صحبت علمای و فضلا دعوت می‌کند و از آنها طلب می‌کند که اگر منصب و دولت می‌خواهند، پس ضرور است که آنها از علم و معرفت دوری نجویند و تا می‌توانند از آن برخوردار باشند. زیرا به گفت ابوبکر راضی «خرد چیزی است که بی آن حال ما همانا حال چارپایان، کودکان و دیوانگان خواهد بود». (۷) فیلسوف بزرگ این را به خوبی احساس نموده، در این خصوص می‌فرماید که پادشاه باید «...در زیارت و صحبت صلحا و علمای دین راغب بود. اگر چه این قوم در این روزگار کمیاب و عزیزند، خاصه در این دیار. اگر به مساعدت توفیق اتفاق افتد برای دیدن ایشان حریص باشد و نصیحت این قوم را سعادت خود داند و از صحبت جاهلان دجال‌سیرت و فاسقان صالح‌صورت [ظاهرالصلاح]، که در این زمان خود را به صورت علما و مشایخ می‌نمایند و هر خسیس ظالم را به طمع حطام (مال) دنیا دعا و ثنا می‌گویند، اعتراض کند». (۸)

به همین طریق، میر سید علی همدانی در اداره‌ی دولت به خرد و علم و معرفت بهای بلند داده، از پادشاهان طلب کرده است که ضمن سلطنت خود به این زمره آدمیان، یعنی به اهل علم و فرهنگ تکیه نمایند.

حاکم، طبق تعلیمات سید علی همدانی، قبل از همه برای آن بکوشد که با عدل و احسان و رحم و شفقت خویش، در دل رعیت جای گیرد و محبوب آنها گردد و هر چه می‌تواند از تکبر خودداری نماید و دوری بجوید. زیرا فرموده‌اند که: «بهترین پادشاهان شما آن کسانی که شما را دوست می‌دارند و شما ایشان را دوست می‌دارید و بدترین حاکمان شما آن کسانی که شما را دشمن می‌دارند و شما هم ایشان را دشمن می‌دارید». (۹) به عقیده‌ی این فیلسوف باید میان پادشاه و رعیت رشته‌ی مستحکم دوستی و محبت پایدار باشد که بنیاد آن را عدل و انصاف و احسان حاکمان در مناسبت به ضعیفان و بیچارگان تشکیل دهد.

میر سید علی همدانی حاکمان را موظف می‌کند که رعایا را تحت حمایت خود بگیرند و نگذارند که ظالمان به جاسوسی و خیانت در بین مردم باشند و به مظلومان بیدادگری و ظلم و تحقیر روا بینند. و اگر چنین حالت رخ دهد، پادشاه نباید به سستی و مصلحت راه دهد و «ارباب دولت را به نصیحت و سیاست معذب گرداند». (۱۰)

شرط آخرین و مهمی، که فیلسوف، میر سید علی در نزد پادشاه می‌گذارد، این صاحب رحم و فراست بودن آنها می‌باشد. او تأکید می‌کند، که پادشاه به جریان حوادث که در کشور ظهور می‌کند باید به نظر تیز و عمیق نگاه کند و قبل از اجرای حکم، حقیقت را مشخص گرداند، تا در سیاست سهوی رخ ندهد. چنانکه آورده‌اند: «دو ضعیفه پیش سلیمان علیه‌السلام آمدند و هر دو ادعای «مادری کودکی» کردند و هر دو از اثبات عاجز گشتند. سلیمان علیه‌السلام فرمود که طفل را دو نیمه کنند و هر ضعیفه را یک نیم بدهند. چون شمشیر برکشیدند، از آن ضعیفه یکی بی‌قرار شد و گفت که وی را نکشید که من از حق خود گذشتم. و در

آن ضعیفه‌ی دیگر هیچ اثر پیدا نیامد. سلیمان بفرمود: تا طفل را به آن ضعیفه‌ای که اوّل گفت دادند که دانست مادر او بود که چون نام کُشتن شنید، مهر مادری به حرکت درآمد و از حق خود بگذشت تا فرزند او سالم ماند». (۱۱)

آن طوری که در بالا نشان دادیم، تعلیمات میر سید علی همدانی در بخش سیاست اصلاً جنبه‌ی اخلاقی داشته، در آن تمام صفاتی گرد آوری شده‌اند که هر پادشاه عادل باید آن را دارا باشد. لیکن باید تذکر داد که میرسید علی در خصوص ساختار حکومت، اصول مشخص اداره کردن و نظامات آن اشاره‌ای نکرده است. آن شرط‌هایی که او در نزد حاکمان می‌گذارد، وسیله‌ای می‌باشند برای بنیاد جامعه‌ای که در آن تنها عدل و انصاف برقرار است.

فیلسوف بزرگ در باره عدل و انصاف جامعه سخن رانده، در آن حقوق رعیت را نیز بررسی و معین نموده است. در تعلیمات او حقوق رعیت به دو نوع تقسیم می‌شود و رعیت نیز به دو گروه طبقه‌بندی شده است که میان آنها از جهت حقوقی مخالفت وجود دارد و ضمن این طبقه‌بندی رعیت مسلمان بر کفار افضلیت پیدا کرده است. فیلسوف برای پادشاهان و حاکمان شرط‌هایی می‌گذارد که ضمن معاشرت و نزدیکی با مردم رعایت می‌شدند:

– رعایت کردن فروتنی و خاکساری، دور نمودن کبر و غرور ضمن صحبت با مسلمانان؛ زیرا فرموده‌اند که: «در بهشت درنیاید، هر که در دل او یک ذره کبر بود». (۱۲)

- از سخن فاسقان و صاحب‌غرضان که عاقبتش فتنه و ندامت است، حذر کند و هر آن چه مردم در حق یکدیگر بگویند، نشنود «...زیرا، که طماع، خلقی را به طمع لقمه‌ی نانی برنجانند و حسود جمله‌ی هنرها را عیب داند». (۱۳)

- گناه مسلمان بیخشد.

- کلّ مردم را از عدل و انصاف خود برخوردار سازد و در این کار، میان اهل و نااهل تفاوت نگذارد؛ زیرا که: «...فاضل‌ترین عقل... دوستی کردن است با خلق و نیکی کردن با نیکان و بدان». (۱۴)

- به منزل مسلمانان از روی غرور و تکبر نگاه نکند و بی اجازت به آن وارد نشود.

- در مناسبت بین مردم، با هر کس از روی درجه و مرتبه‌ی او معامله کند، از جاهلان و اوباشان گفتار نیک انتظار نشود و از رو به رو شدن با افراد مختلف پرهیز نکند.

- حرمت پیران را در مجلس به جا بیاورد و به کودکان به چشم شفقت نگرد.

- به مسلمانی دروغ نگوید و هر آن چه وعده کرد اجرا نماید؛ یعنی از منافقی دوری بجوید، چون که «...نشانه‌ی منافق سه چیز است؛ چون سخن گوید دروغ و چون وعده کند، خلاف کند و چون او را امین گردانند، خیانت کند». (۱۵)

- به مردم سخن خوش بگوید و از بدزبانی خودداری کند و خصوصاً، با ضعیفان به ملایمت معامله کند.

مردگی ۳۲ _____ ۱۳۰

- در مناسبت با مردم انصاف و شفقت را رعایت کند و «...با مسلمانان چنان معامله کند که اگر آن معامله با او کنند، بپسندد».(۱۶)

- کوشش کند بهر نابود ساختن خصومت بین مسلمانان و روا نبیند توقف را در آشتی نمودن آنها.

- در جستجوی گناه مسلمانان نباشد و عیب‌های مردم را پوشیده دارد و بهر نفع آنها بکوشد.

- از کارهای نامشروع خودداری نماید تا رعیت از دنبالش به چنین اعمال دست نزنند. چون که مردم در صلاح و فساد، یعنی در نیکی و بدی پیرو پادشاه اند. اگر بینند که پادشاه به نیکی میل دارد، رعیت نیز به نیکی می‌گراید، «...و اگر از او فساد مشاهده کنند، یعنی آن پادشاه و حاکم فاسق باشند، همه مردمان در فسق و فساد کوشند...».(۱۷)

- حقوق و منفعت‌های مردم ضعیف را از اشخاص توانا و حقوق افراد مسکین و کم‌بغل [بی‌بضات، فقیر] را از اشراف طلب کند و بیشتر وقت خود را در صحبت فقرا از اهل علم صرف کند.

- بی‌خطری [امنیت] مسلمانان را تأمین کند و از دزدان و راهزنان آنها را امین دارد. هر کسی برای زوری و تعدی مسلمانان به دست افتد، به عذاب و عقوبت گرفتار کرده شود تا عبرت دیگران گردد؛ یعنی در سیاست از همه حادثاتی که در کشور رخ می‌دهند، واقف باشد. و آورده‌اند که؛ «...عمر ابوذر را طلب کرد و گفت.

- ای ابوذر، چه می‌گویی در حق من و آن که مردم خلیفه می‌خوانند. ابوذر... گفت؛ اگر برّهی گوسفندی در کنار فرات ضایع شود و تو از آن غافل باشی تورا خلیفه نتوان گفت». (۱۸)

- برای آبادی کشور و در ساختمان عمارت و پل‌ها سهم‌گذار باشد و اگر در متصرفات آن گرانی پدید آید کمک نماید.

- در تمام مناطق مسلمان‌نشین مسجدی بنا کند و برای عبادت مسلمین شرایط فراهم سازد.

- به تشویق و ترغیب مردم به دین مشغول باشد و نصیحت دینی را از خاص و عام دریغ ندارد. و کسی را که خلاف شریعت باشد، حاکم او را با شمشیر از خود دور کند و اگر به دست (یعنی به سیاست و شمشیر) منع نتوان کرد، پس به زبان منع کند و اگر به زبان نتوان کرد، به دل آن را دشمن دارد و این مرتبه بر ضعیفان و عامّهی خلق واجب است».

به گونه‌ای که دیدیم، فیلسوف برای اداره کردن کشور شرط‌هایی گذاشته است که در آن حقوق و منفعت‌های مسلمانان تحت حمایت گرفته شده است و فیلسوف اجرای این شرط‌ها را باعث پایداری دولت و آسودگی رعیت و اجرا نشدن آنها را باعث فنای دولت و مصیبت رعیت می‌شمارد.

میر سید علی همدانی درباره حقوق و وظیفه‌های رعیت غیر مسلمان نیز اشاره‌هایی دارد که رعایت نمودن آنها را ضروری می‌شمارد.

عموماً، در تعلیمات این عارف بزرگ جنبه‌های گوناگون دولت و حکومت، با جهت‌های اخلاقی و دینی انعکاس یافته‌اند. به عقیده‌ی او «...حاکم عاقل باید که از خطر حکومت غافل نباشد و قدر نعمت آن حضرت در حق خود بشناسد و در ایام فراغت، عدل و احسان را به جناب حضرت پروردگار وسیله سازد... بر حاکم و پادشاه واجب است که از خطر حکومت بیندیشد و اجرای امور بندگان حق را آسان شمارد و آثار نتایج مرضی و نا مرضی را خوار ندارد... بر دولت فانی اعتماد نکند و از رسوایی و گرفتاری قیامت یاد آرد. ایام فرصت، غنیمت شمرد» (۱۹)

همین طور، عقاید اجتماعی و سیاسی میر سید علی همدانی خصوصیت پیشرو داشته، بیشتر اندیشه‌های بلند انسانی را در بر می‌گیرند. به گفته این فیلسوف بزرگ «...دولت دنیوی چون باد درگذر و چون خواب ناپایدار است. و عاقل کسی را توان گفت که به سادگی فریفته نشود و به خیالی مغرور نگردد و از حال غافلان گذشته عبرت گیرد...» (۲۰)

منابع و مآخذ:

- ۱ - عصازاده، رجب، شمه‌ای از «ذخیره الملوک» میرسید علی همدانی، کولاب، ۱۹۹۱، ص، ۵.
- ۲ - ذخیره الملوک، در کتاب نصیحت نامه میر سید علی همدانی.
- ۳ - چنیشی اُف.آ. ن. آغاز فلسفه، ۱۹۸۲، ص، ۶۷.
- ۴ - ذخیره الملوک، همان، ص، ۱۰۱.
- ۵ - همان، ص، ۱۰۲.
- ۶ - همان، ص، ۱۰۲.
- ۷ - آچیرک‌های [مقالات] تاریخ فلسفه. دوشنبه، ۱۹۸۲، ص، ۳۵.
- ۸ - ذخیره الملوک. همان، ص، ۱۰۳.
- ۹ - همان، ص، ۱۰۳.
- ۱۰ - همان، ص، ۱۰۴.
- ۱۱ - همان، ص، ۱۰۳.
- ۱۲ - همان، ص، ۱۰۷.
- ۱۳ - همان، ص، ۱۰۷.
- ۱۴ - همان، ص، ۱۰۸.
- ۱۵ - همان، ص، ۱۰۹.
- ۱۶ - همان، ص، ۱۱۰.
- ۱۷ - همان، ص، ۱۱۱.

روزی ۳۲ _____ ۱۳۴

۱۸ - همان، ص، ۱۱۳.

۱۹ - همان، ص، ۱۱۵.

۲۰ - همدانی، میر سید علی، نصیحت‌نامه، به کوشش: عصازاده، حاتم، کولاب،

۱۹۹۳، ص، ۱۵۹-۱۶۰.